

پیر شالیار

و

جشن باستانی پیر در هورامان

www.ketab.ir

محمودپور، رئوف

پیرشالیار و جشن باستانی پیر در هورامان

تالیف و گردآورنده رئوف محمود پور

۳۰۲ص. تهران: احسان، ۱۳۹۴.

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۰۵۰-۵

چاپ اول: ۱۳۹۴.

موضوع: پیرشالیار

موضوع: جشن ها-- ایران-- اورامان

موضوع: فرهنگ عامه -- ایران -- اورامان

موضوع: کردان -- ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

موضوع: اورامان -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

ده بندی کنگره: ۴۸۷۴۳ م ۳۲ آ GT

ده بندی دیویی: ۳۹۴/۲۶۹۵۵

کتابخانه ملی ایران: ۳۴۶۶۳۶

پیرشالیار و جشن باستانی پیر در هورامان

✦ مؤلف : رئوف محمود پور

✦ ناشر : نشر احسان

✦ چاپخانه : مهارت

✦ نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۴

✦ تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

✦ قیمت : ۱۵۰۰۰ تومان

✦ شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۰۵۰-۵

فهرست

۱۳		مقدمه
۲۰		فصل اول: کلیات
۲۰		مقدمه
۲۳		ضرورت و موضوعیت
۲۴		ادبیات و پیشینه
۲۵		روش پژوهش
۲۶		هورامان در نگاهی گذرا
۳۲		واژه‌ی هورامی و دیرینگی آن
۳۵		فصل دوم: پیرشالیار از دیدگاه «اسطوره‌ای - نشانه‌شناسی»
۳۵		دیدگاه نشانه‌شناسی
۳۶		متد نشانه‌شناسی یا دال - مدلولی
۴۲		خوانش از دیدگاه اسطوره‌شناسی
۵۳		فصل سوم: معبد هورامان
۵۳		معبد هورامان
۵۷		جایگاه چله‌خانه در ادیان و باورها
۶۰		چله‌خانه در باور زرتشتی
۶۵		ارتباط تعالیم اسلامی با چله‌خانه
۶۶		چله‌خانه‌ی پیر، نذر و بخت آزمایی

چله‌خانه، نماد حرکتی در زمانی.....	۶۶
نمادهایی دیگر از وجود باور باستانی در منطقه.....	۸۸
مکان مقدس.....	۸۸
زمان مقدس.....	۹۵
پرواز مقدس.....	۱۰۰
غیب شدن؛ تراژدی روحانی پیر.....	۱۱۰
فصل چهارم: جشن (زه‌ماوند) پیرشالیار.....	۱۱۵
آیین های مراسم عید پیر.....	۱۲۱
منشاء خبر از دیدگاه عامیانه‌ی اهالی محل.....	۱۲۳
منشاء و دلایل وجودی این رسم.....	۱۳۵
منشاء و دلایل وجودی این آیین.....	۱۳۸
خوانش آیین قربانی در مراسم عید پیرشالیار.....	۱۴۳
قربانی در عید پیرشالیار.....	۱۵۷
قربانی در دو آیین میتزایی و زرتشتی.....	۱۶۱
قربانی در اعتقادات اسلامی.....	۱۶۸
منشاء قربانی در عید پیر.....	۱۶۹
منشاء هورپرای عید پیر، از دیدگاه عامه مردم محل.....	۱۷۳
ازدواج مقدس و پیشینه‌ی آن در بین ملل باستان.....	۱۷۶
پیشینه‌ی ازدواج مقدس در بین ملل باستان.....	۱۷۷
تحلیل ازدواج مقدس نزد مردمان باستان.....	۱۸۲
پیشینه‌ی رقص در ایران باستان.....	۱۹۶
هورپرای در آیین زرتشت و اسلام.....	۲۰۱
آیین پیرشالیار و نوع ترانه‌هایی که به صورت آواز خوانده می‌شوند.....	۲۰۱
نوستالژی زمانی و امید به بازیابی سعادت و آسودگی.....	۲۱۷
فصل سوم: پیرشالیار؛ شخصیتی از اسطوره تا تاریخ.....	۲۲۵
هم‌چون سرآغاز.....	۲۲۵

۲۲۶	 pyršalyar پیرشالیار واژه‌ی
۲۲۶	 pyršalyar پیر+شا+ لیار = پیر شا لیار
۲۲۷	 šaheng=ملکه زنبورهای عسل شاهنگ
۲۳۰	 پیرشالیار در باور اهالی محل:
۲۳۲	 پیرشالیار در متون تاریخی
۲۳۸	 پیرشالیار، از روندی «هم‌زمانی» تا نگاهی «درزمانی»
۲۴۰	 جایگاه پیر در مراحل هفت‌گانه‌ی تربیتی مهرپرستی
۲۴۳	 کتاب پیرشالیار (ماریفه‌ت پیرشالیار ، ماریفه توو پیری)
۲۵۲	 کرامات پیر
۲۶۰	 کومسا
۲۶۶	 جایگاه و نقش زن در مراسم عید پیر
۲۷۱	 nyšte derevyan نیش‌ت دهره‌ویان
۲۷۵	 babaheyranē بابا چه‌یرانی
۲۷۹	 nyšit نیش‌ت
۲۸۳	 منابع
۲۹۱	 تصاویر

مقدمه

این اثر باخود گوشه‌ای از فرهنگ باستانی مناطق کردنشین را به عرصه گفتمان آورده و باعث شده است تا خواننده در باره‌ی پیشینه‌ی فرهنگ باستانی این مناطق بیشتر کنجکاو شود.

این اثر، از سه جنبه دارای اهمیت و قابل توجه است:

الف: یادآوری شخصیتی باستانی در اعتقادات دیرینه‌ی مردمان مناطق کردنشین. پیرشالیار حلقه‌ای مفقوده در بین دو مقطع باستانی است: دوران استیلای آیین زرتشتی و دوران قبل از آن. در این اثر، با استفاده از اسناد و مدارک لازم تلاش شده است تا ضمن کاوشی مفید، زمینه برای تحقیقات بعدی فراهم شود.

ب: کشف مجدد واژه‌ی «پیر» و بیرون کشیدن آن از زیر گردوغبار تاریخ. همراه این واژه، بخشی از فرهنگ، اعتقادات و ادبیات باستانی منطقه نیز به عرصه‌ی گفتمان آورده شده و امکان تحقیقات بعدی فراهم گشته است. زیرا با این تلاش، آن را از فراموشی مطلق رهایی داده و مجدداً به عرصه گفت‌وگو و کاوش آورده است.

ج: اینکه اعتقادات میتزایی، زرتشتی، مانئی و مزدکی و... از اعتقادات باستانی و قبل از استیلای دین مبین اسلام، در منطقه رواج داشته و فرهنگ و اخلاقیات مردم را سامان داده و به ترویج و توسعه فرهنگ و ادبیات کمک نموده‌اند، براهل نظر پوشیده نیست. در این اثر با ردیابی واژه‌ی «پیر» و ریشه‌یابی مستند آن، این مهم هرچه بیشتر عیان شده است.

اگر ما به بررسی و کاوش در متون باستانی و لایه‌های فرهنگ دیرین مردم بپردازیم، در بعضی از آنها به واژه‌ی پیر برخورد خواهیم کرد. از جمله:

در متون میتزایی و به خصوص در مراحل هفت‌گانه‌ی تربیتی رهروان دینی آن که موفقیت رهرو منوط به طی آن هفت مرحله بوده و در صورت طی موفقیت آمیز آن، سرانجام به مرتبه‌ی «پیر» رسیده است.

در متون زرتشتی و از جمله در کتاب اوستا که با واژه‌هایی مثل: پشه‌ئیری/پائیری/پائوئیره و... برمی‌خوریم که معنی آنها همان پیشوا، باشکوه، بلندمرتبه و... می‌باشد که به واژه‌ی «پیر» بسیار نزدیک است.

در لایه‌های فرهنگی مردم و نیز در جای‌نام‌های زیادی، این واژه هنوز هم ماندگار و قابل توجه می‌باشد. از جمله در باور رزدشتی جای‌نام‌هایی مثل:

- پیرسبز، یا در زبان گُردی «پیرسه‌وز» که در نزدیکی شهر یزد واقع است. در مناطق کردنشین هم در مناطق مختلفی به واژه‌ی «پیرسه‌وز» برمی‌خوریم.

- پیرچاک‌چاکو: که در ارتباط با آن داستان‌های مفصلی نقل می‌کنند.

- پیر هَریشت، این مزار هم در نزدیکی شهرک شریف‌آباد اطراف یزد واقع است. به اعتقاد زردشتیان این مزار از آن «گوهر بانو» است، که خدمتکار یزدگرد سوم بوده است.

- پیر سَتی، این مزار هم در نزدیکی شهر یزد واقع است.

- پیر نارستانه، این پیر هم در نزدیک شهر یزد واقع است.

- پیر بانوی پارس، گویا مزار دختر یزدگرد سوم شاهنشاه ساسانی است که در اثر جدا شدن از لشکریان شکست خورده ساسانی، در بیابان بر اثر تشنگی جان می‌دهد.

- پیر نارکی، گویا مزار زربانو یا نازبانو است که او هم از شاهزادگان بوده است.

نکته قابل توجه اینکه؛ برای هر کدام از این پیران، داستان و حکایات افسانه‌ای مختلفی وجود دارد که معتقدان به آنها، این افسانه‌ها را نقل می‌کنند.

در دانشنامه‌ی مزدیسنا هم به آن اشاره شده و پیرشهریار، پیری وصف شده که مزار آن در هورامان واقع است که سالانه تعداد زیادی از مردم برای طواف، به آن جا می‌روند.

در آیین یارسان یا پیروان اهل حق نیز پیر جایگاه خاص خود را دارد. از جمله: نودونه پیر شاهو که با احترام و قداست از آنها یاد می‌شود.

در فرهنگ منطقه هورامان نیز، نودونه پیر هورامان زبان‌زد بوده و مورد توجه مردم و محققان هستند.

در لایه‌های فرهنگ عامیانه مردم نیز پیر جایگاه ویژه‌ای داشته و جای‌نام‌های زیادی تحت عنوان پیر موجود هستند که محل طواف و رازونیا مردم محل می‌باشند.

در اشعار شعرای نامی گرد نیز، پیر جایگاه خاص خود را حفظ نموده است:

از جمله: در اشعار مسلای جزیری (۱۶۴۰-۱۵۶۸) م. که شاعری شیرین سخن و عارف مسلک می باشد:

پیری حکمت بین ل و فقا مه شره بان
کهس نه دی مه ی ریخته فنجانی غه له نگ
یا

پیری موغان ژ شیشه بی دا سه فینه کی مه بی
شوکور خودی کو مولوومه ک من ژ خوه را قه باله کر
شاعر شوریده حال، مه خوی () م. هم در آثار خود پیر را فراموش نکرده است:

قه سه می گویمی به چاوی پیری موغان
که له مه ولا نه بییی وه غف و قسه ی مولانا
یا

به بی یاری مه چو مه عره که ی نه سفه ندیاری نه فیس
که له م مه دانه دا هر پیره زاله روسته می بی زال
مولوی گرد، از شعرای صاحب آوازه و شیرین سخن، نیز می گوید:
با کلآفه بو تاخر له وانم خاک پای چه زره ت پیر موغانم
فه قی قادری همه وه ند

به مه زلوومی حوزن زه لیلی پیران
به ناله ی چه سره ت زومره ی نه سیران
وه فایی:

ده می ساقی دهمت بینه ده خیلی چاوه کانت بم
به جامیشک دهستی من بگره فیدای پیری موغانم بم

مسته فابه گی کوردی
 دل له میخنه ت که یله ئه ی پیری
 م وغانی به زم ساز
 هه ر ئه ت و ی بو باره گای عیش و ته ره ب
 مه سنه دته راز
 مه ی حه رامه گه ر به فتوای موفتی و
 قه ولی جه دید
 پیری من به قه ولی کی قه دیم داویه
 جار جار جه واز
 احمد پریسی « مجزوب »
 مه شوون وه خزمه ت پیر مه یخانه
 تا تیر بنوشوون مه ی وه پهمانه
 می توان گفت که در بیشتر دیوان شعر شعرای کرد این واژه فراموش
 نشده و مورد توجه بوده است که اشاره نمودن به همه ی آنها ضروری به
 نظر نمی آید.

منابع:

- محمد کریم هورامی / پیرشالیار / رومان
 د. ابراهیم احمد شوان / سوفیگری / هولیر ۲۰۰۱
 بهرامی احسان / جنیدی فریدون / فرهنگ واژه ی اوستا / نشر بلخ /
 تهران ۱۳۶۹
 اوشیدی جهانگیر / دانشنامه ی مزدیسنا / شرکت نشر مرکز تهران ۱۳۷۱
 رضی هاشم / گاه شماری جشن های کهن ایران / انتشارات بهجت / تهران
 ۱۳۷۱

تحسین ابراهیم دوسکی / دیوانا مه لایی جزیری / چاپخانه هاوار / دهوک
۲۰۰۰م

ئهمه د خانی / مه و زین / هزار موکریانی / انتستیتوگردپاریس / ۱۹۸۹م
دیوانی مه ولهوی تاوه گوژی / کوکردنه وه و لیکدانه وهی:
مه لاهه بدولکه ریم موده ریس / به غذا / چاپخانه ی ئه لنه جاح /
سالی ۱۹۶۱ زایینی.

دیوانی مه حوی

دیوانی فقیه قادر هموند

دیوان مه جذوب، گرداوری حکیم ملا صالح، چاپ و پخش آراس، هولیر
«فلک الدین کاکه بی»